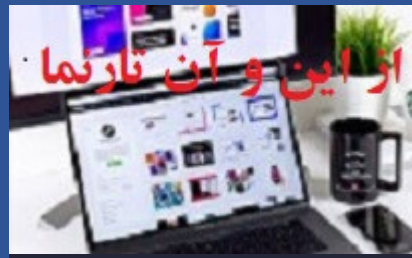


در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



m.ilbeiqi@yahoo.fr xalvat.info



[VOA Farsi \(voanews.com\)](http://voanews.com) صدای آمریکا

ناصر پاکدامن : نوشته ها و نوشته های صادق هدایت در روزنامه مردم

آرش ایرانی

صادق هدایت ، نویسنده پر آوازه ایرانی ، تعدادی از داستان ها و مقاله های خود را با نام هایی مستعار در روزنامه مردم به چاپ می رسانیده است. این نام ها عبارت بوده اند از : "رجبعلی خوشباور" ، "راستگو" ، "خداداد کلیمری" و "امام قلی تهی پا" . بر اساس پژوهشی از "ناصر پاکدامن" ، نویسنده و پژوهشگر ایرانی ، با عنوان "نوشته ها و نوشته های هدایت در روزنامه مردم، طی سال های ۱۲ بهمن ۱۳۲۰ تا ۱۱ آذر ۱۳۳۲" ، مطالب "فرهنگ فرهنگستان")) با نام مستعار "رجبعلی خوش باور" در شماره های ۲۵ تا ۲۷ ، "قضیه زیر بته" در شماره ۲۴ و ۲۵ با امضای "امام قلی تهی پا" چاپ شده که بعدها در مجموعه "ولنگاری" ، "سگ ولگرد" و یا در "مجله سخن" به تجدید چاپ رسیده است. همچنین بر پایه این پژوهش، صادق هدایت که برای نخستین بار در ایران اثری از ("ژان پل سارتر" را ترجمه کرده است، آن را بدون ذکر نام مترجم در شماره های ۷۹ تا ۸۸ روزنامه مردم با عنوان "دیوار" منتشر می کند. البته بعده ها "دیوار" در شماره ۱۱ و ۱۲ ماهنامه "سخن" ، در دی و بهمن ماه ۱۳۲۴ همراه با ذکر نام صادق هدایت به عنوان مترجم تجدید چاپ می شود. این نویسنده نامدار ایرانی که در عین حال برای نخستین بار آثاری از آنتوان چخوف و فرانز کافکا را نیز ترجمه و به علاقه مندان ادبیات در ایران معرفی کرده است، داستان "گراکوس شکارچی" ، (نوشته کافکا - شماره ۲۸ و ۳۹) و "مشاورمخصوص" ، (نوشته چخوف) را نیز در روزنامه مردم بدون امضای حقیقی خود منتشر می کند. به نوشته میراث خبر ، پاکدامن با اشاره به آثار صادق هدایت خاطر نشان می کند که همه آن چه از هدایت در "مردم" به چاپ رسیده است ، به استثنای ترجمه "شاوور مخصوص" که بیشتر به چاپ رسیده بود و چاپ آن در روزنامه مردم به گونه ای تجدید چاپ به شمار می آمد، بعدها یا در ماهنامه سخن تجدید چاپ می شود و یا در دو مجموعه ای که هدایت تحت عنوان "سگ ولگرد" و "ولنگاری" چاپ می کند ، از جمله داستان های "کاتیا" ، شماره ۱۰۴ تا ۱۰۷ ، "سگ ولگرد" ، شماره ۱۰۸ تا ۱۱۲ ، "دون ژوان کرج" ، شماره ۱۱۳ تا ۱۱۷ ، "تاریکخانه" ، شماره های ۱۲۶ ، ۱۲۹ و ۱۳۱ و "تخت ابونصر" ، شماره های ۱۳۶ تا ۱۴۲. این پژوهشگر در ادامه متذکر می شود: "در این تحقیق از میکرو فیلم مجموعه موجود در کتابخانه مجلس استفاده شده است. این مجموعه تا شماره ۱۳۰ (۱۳۲۱/۵/۱۲) روزنامه مردم را شامل می شود و شماره های يك و ۵۷ این نشریه را ندارد." آقای پاکدامن ، برای بسط تحقیق خود از فهرستی درباره پاورقی های چاپ شده در روزنامه مردم که بر اساس اطلاعات مجموعه کتابخانه ملی ایران تهیه شده ، نیز استفاده کرده است. به گفته وی کتابخانه ملی، فقط تا شماره ۲۲۷ روزنامه مردم را داراست ؛ در نتیجه اگر در فاصله ۱۳ مرداد تا ۱۱ آذر ۱۳۲۱ نوشته هایی از هدایت در این روزنامه چاپ شده باشد که دنباله نداشته باشد، در پژوهش وی منظور نشده است. همچنین سرنوشت مطالبی از هدایت که ممکن است در شماره های منتشر شده مردم در فاصله ۱۲ تا ۱۷ آذر چاپ شده باشد، نیز نامعلوم است. این پژوهشگر ایرانی تاکید می کند که فهرست ارایه شده در تحقیق وی با توجه به محدودیت های موجود در عرصه دستیابی به اطلاعات مورد نیاز، از نوشته های چاپ شده هدایت در شماره ۱ تا ۲۲۷ (۱۱ آذر ۱۳۲۱) روزنامه مردم تهیه شده است. روزنامه مردم از ۱۱ بهمن ۱۳۲۰ تا ۱۷ آذر ۱۳۲۱ منتشر می شده است.

در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



m.ilbeiqi@yahoo.fr xalvat.info



دویچه وله فارسی DW

چراغی که ناصر پاکدامن در تبعید برافروخت



جواد طالعی

دکتر ناصر پاکدامن، استاد بازنشسته دانشگاه‌های ایران و فرانسه، نویسنده، مترجم، پژوهشگر و از اعضای قدیمی کانون نویسندگان ایران، پس از مدت‌ها بیماری بامداد روز یکشنبه سوم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ (۲۳ آوریل ۲۰۲۳) در یکی از بیمارستان‌های پاریس درگذشت.

ناصر پاکدامن یکی از خوشنام‌ترین و پرکارترین نویسندگان و دانش‌پژوهان ایرانی در خارج از کشور، در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در خانواده‌ای کارمندی به دنیا آمد و هنگام مرگ ۹۲ سال داشت.

پاکدامن در سال ۱۳۳۲ پس از پایان تحصیلات خود در رشته حقوق دانشگاه تهران برای ادامه تحصیل فرانسه را برگزید و در این کشور ضمن کسب دکتری اقتصاد در رشته جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناسی نیز به ادامه تحصیل پرداخت. وی در سال ۱۳۴۶ خورشیدی به ایران بازگشت و به تدریس در دانشگاه تهران پرداخت.

ازدواج با هما ناطق

پاکدامن در دوران جوانی با هما ناطق، تاریخ‌پژوه سرشناس ایرانی، ازدواج کرد که حاصل این ازدواج دو فرزند به نام‌های میشا و روشنک بودند. پاکدامن و ناطق در سال‌های پس از مهاجرت از یکدیگر جدا شدند، اما تا زمان درگذشت خانم ناطق در ژانویه سال ۲۰۱۶ رابطه انسانی پرمهر و همکاری سازنده‌ای با یکدیگر داشتند.

در همان دوران جدایی، یکبار هنگامی که پاکدامن و ناطق برای شرکت در مجمع عمومی کانون نویسندگان ایران در تبعید به فرانکفورت سفر کرده بودند، هنگامی که یکی از فمینیست‌های این شهر در حضور جمع، مردان ایرانی را به زن‌ستیزی متهم کرد، خانم ناطق به اعتراض برخاست و با تاکید بر تجربه شخصی خود گفت: «اگر همدلی‌ها و همفکری‌های ناصر نبود، من به موقعیت فعلی دست نمی‌یافتم.»

تعقیب و گریز و بازگشت به پاریس

پاکدامن یک سال پیش از انتقال حاکمیت سیاسی ایران به روحانیون، در شمار گروهی از استادان دانشگاه تهران بود که "سازمان ملی دانشگاهیان ایران" را تشکیل دادند. این سازمان در کنار کانون وکلا، کانون نویسندگان، سندیکای روزنامه‌نگاران و نظام پزشکی، نهادهای دموکراتیک معدودی بودند که پس از انقلاب کوشیدند برای مقابله با تندروی‌های حکومت اسلامی متحد شوند، اما رژیم تازه‌نفس به اتکای گروه‌های فشار خود آن‌ها را سرکوب کرد.

در عظیم خلوت من ! در عظیم خلوت من / هیچ غیر از شکوه خلوت نیست (فریدون ابل بیگی)



m.ilbeiqi@yahoo.fr xalvat.info

پاکدامن پس از سرکوب‌های خونین سال ۱۳۶۰ به خاطر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود تحت تعقیب قرار گرفت و پس از مدتی زندگی مخفی در ایران مجبور به ترک کشور شد و بار دیگر فرانسه را برای زندگی برگزید. او از سال ۱۹۸۳ میلادی به استخدام دانشگاه پاریس هفتم در آمد و تا بازنشستگی در این دانشگاه تدریس می‌کرد.

در دوران تبعید، هما ناطق به تحقیقات علمی خود درباره تاریخ مشروطیت و دوران قاجار ادامه داد و ناصر پاکدامن در نخستین قدم ماهنامه وزین "چشم‌انداز" را با همکاری محسن یلفانی، غلامحسین ساعدی و چند تن دیگر از نویسندگان تبعیدی ایران منتشر کرد. چشم‌انداز یکی از نخستین نشریه‌های منتشرشده در خارج از کشور بود که کوشید چراغ فرهنگ ایرانی را که در داخل کشور به شدت سرکوب می‌شد، در خارج از کشور روشن نگه دارد.

پاکدامن در دو دهه آخر عمر وقت خود را به طور کامل وقف کارهای پژوهشی کرد. کتاب‌های "قتل کسروی" و "هشتاد و دو نامه صادق هدایت به حسن شهیدنورایی" دو اثر ارزشمندی هستند که از این دوران فعالیت پاکدامن به یادگار مانده‌اند.

پاکدامن و "کانون نویسندگان ایران در تبعید"

ناصر پاکدامن که در ایران به عضویت کانون نویسندگان ایران در آمده بود، در خارج از کشور نیز همراه با گروهی از نویسندگان و شاعران تبعیدی "کانون نویسندگان ایران در تبعید" را تاسیس کرد و سال‌ها با این نهاد همکاری داشت. او ضمن تدریس در دانشگاه‌های پاریس، هیچ فرصتی را برای دفاع از آزادی بیان و اندیشه از دست نمی‌داد و پس از صدور فتوای قتل **سلیمان رشدی**، به روشنفکران معترض به این فتوا پیوست.

پاکدامن در مقاله‌ای که روز ۲۷ بهمن سال ۱۳۶۷ منتشر شد، درباره این فتوا نوشت: «این تکفیرها بیش از آن که راه رستگاری را به مردمان نشان دهند، بر دوری فراوان تکفیرکنندگان از واقعیات زمان دلالت می‌کنند. آن‌ها فراموش می‌کنند که فکر را نمی‌توان به اسارت در آورد. قلم را می‌توان شکست، اما با قلم شکسته هم می‌توان نوشت. و خوب و تند هم نوشت که قلم شکسته تیزتر است...»